**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر الواحد**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه پنجاه و یکم\_6 بهمن 1397**

در جلسات قبل مفصلاً فرمایش شیخ الطائفة اعلی الله مقامه الشریف را در عدة در مورد خبر واحد بررسی کردیم. معمولا وقتی به فرمایش شیخ می­رسند از کلام شیخ استفاده می­کنند دلیل بر این که خبر واحد حجت است، اجماع الطائفه است و این هم استفادۀ درستی است چون ایشان صراحتا ادعای اجماع فرموده است؛ اما در تقریرات آیت الله سیستانی دامت برکاته صفحه 152 به بعد به کلام شیخ از یک نگاه دیگری هم توجه شده است و آن سیرۀ متشرعه است یعنی گویا شیخ علاوه بر ادعای اجماع طوری ادعای اجماع را مطرح فرموده که یک دلیل دیگری هم غیر از اجماع منقول بر حجیت خبر واحد خواهیم داشت و ان سیره متشرعه است و این فرق دارد با آن چه بعدا به نام سیره عقلا می گوییم . الان بحث سیره متشرعه است. دلیل اول بر حجیت خبر واحد آیات بود، دلیل دوم اجماع است و دلیل سوم سیره متشرعه است. البته طبق تقریرات آقای سیستانی می شود دلیل چهارم.

می فرماید به سیره متشرعه استدلال شده است برای حجیت خبر ثقه علی نحو القضیة الخارجیة نه اینکه هر خبر واحدی این اخبار موجودة در کتب معروفة و اصول و مصنفات مشهورة بین الامامیه. این غیر از بناء عقلا است. بنا عقلا علی نحو القضیة الخارجیة نیست. خواهیم گفت علی نحو القضیة الحقیقة است اما این جا میخواهند بگویند به این روایات موجوده از اصول شیعه عمل شده است.

می فرماید و هذا مدعی الشیخ الطوسی و انه من زمن النبی الی زمانه.

مدعی دوم سیره متشرعه بر عمل بر خبر واحد سید مرتضی است. سید مرتضی هم فی الجمله هم عقیده شیخ است نسبت به این روایات الّا انّه یقول انّ عملهم مبهمٌ. سید مرتضی هم میگوید به این اخبار عمل کردند و لی عملشان مبهم است.

فربما کان ذلک من باب الاطمئنان فلا یدخل تحت العمل بالخبر الواحد

هر دو می گویند سیره بر عمل به این اخبار است، اما شیخنا الطوسی میگوید سیره بر عمل به این اخبار است چون خبر واحد را حجت می دانند پس به این اخبار عمل میکنند. سید مرتضی می گوید علما به این روایات عمل کردند چرا؟ نمیدانیم. چه بسا عمل آنها از باب اطمینان باشد نه از باب حجیت خبر. چون عمل است، قول که نیست و عمل هم مبهم است.

اما اول کسی که ادعای اجماع کرد قولا بر عمل به خبر واحد و عمل علما را به اصول و مصنفات از باب قضیه حقیقیة گرفت جناب شیخ طوسی است و الا سید مرتضی اینگونه نیست.

قبل از شیخ طوسی همه میگفتند ان الخبر واحد لا یوجب علما و لا عملاً. او بود که آمد چنین حرفی را زد.

از نظر قول و حرف علما تا قبل از شیخ طوسی قولشان این است که انّ الخبر واحد لا یوجب علماً و لا عملا. اما از نظر عمل، عمل به این اخبار موجوده در کتب روایی شیعه است. بله استثنا کرده اند روایاتی را که خلاف اجماع است یا برهان بر خلافش هست. مثل روایاتی که میگوید ماه مبارک رمضان همیشه 30 روز است. که این خلاف برهان است و حس. تا یک روایتی خلاف برهان و حس و وجدان نبود به همین روایات عمل کرده­اند.

این تا اینجا اما آیا شیخ طوسی هم چنان که همین الان عرض کردیم به نحو قضیه حقیقیه است یا به نحو قضیه خارجیه. اختلاف است در فهم کلام جناب شیخ طوسی.

آقای سیستانی می فرماید و الشیخ یدعی انّ هذا العمل ینطبق علیه عنوان العمل علی خبر الواحد ولی استادش سید مرتضی می گوید این عمل به جهت خبر واحد نیست به جهت اطمینانی است که آنها داستند.

بعد ایشان در ص 154 و 155، سه شاهد به نفع سید مرتضی اقامه می کند، کلام سید نیست ما داریم به دفاع از سید این نکات را میگوییم:

1. ما با دو چیز روبرو هستیم، یکی قول علما و دیگری عمل آنها. اما قول آنها این است که انّ الخبر الواحد لایوجب علما و عملا.عملی دارند به این کتب مشهوره و روایات معروف و موجود، قولشان واضحٌ مبرهن، عملشان مبهم و غیر واضح، پس نمی توانیم بگوییم از باب حجیت خبر واحد به این اخبار عمل شده است،
2. اگر کسی بگوید همین روایات موجوده کثیر آنها متواتر است جا دارد. چون ارباب کتب همه اسانید را نمیآوردند. ببینید نجاشی میگوید برخی از اسانید را میآورم. پس اگر کسی گفت ان کثیرا من الاخبار و ان کان یتردد انّها اخبارٌ آحاد و لکنّها کثیرا ما یکون متواترا. این حرف بیجایی نزده است پس از باب اطمینان است نه از باب حجیت خبر واحد واطمینان هم به جهت تواتر احادیث است.
3. اطمینان یک امر منضبطی به تعبیر بنده نیست. مردم در اطمینان مختلف هستند، گاهی حدیثی با یک یا دو شاهد برای کسی اطمینان می آورد ولی برای دیگری اطمینان نمی آورد از طرف دیگر افراد هم از جهت اطلاع بر شواهد یکسان نیستند . بعضی اطلاعاتشان از قرائن و شواهد بسیار و بعضی کمتر است. از سوی سوم روایات هم از جهت این که آیا محفوف به قرینه هست یا نیست، انظار مختلف است، بعضی حسن نظرشان قوی است و زود اطمینان برایشان می آید بعضی سو ظن دارند.

حال ببینید علما و افراد از حیث اطمینان مختلف اند

فعلی هذا فان عملهم بالاخبار یمکن ان یکون من باب الاطمئنان او احتفافها بالقرائن او تواترها و ان لم یحصل لنا شیء فی هذه الامور فلابد من اکتساب وجهة العمل من القوم مع انّ قولهم هو ان خبر واحد لا یوجب علما و لا عملاً و لا نعمل بخبر الواحد کما لا نعمل بالقیاس فلذا راینا هنا عملا و لا ندری انّ هذا العمل مخالف للقول ام لا فبما ان العمل مبهمٌ و ملتبسٌ نحمل العمل علی عدم مخالفته للقول.

در این شاهد اخر ما یک مقدمه ایی داریم و ان مقدمه این است که ما یک ادعای قولی از علما داریم که خبر واحد موجب علم و عمل نیست. این را نمیتوانیم کنار بگذاریم و یک عملی هم بهذه الاخبار که این را هم نمیتوانیم کنار بگذاریم. نباید هم آن ها را متهم کنیم که قولشان با عملشان یکی نیست.

مقدمه دوم؛ اطمینان یک امری نیست که با یک معیار در همه جا معین و مشخص باشد. بعضی زود اطمنیان برایشان حاصل می شود و بعضی دیرتر، بعضی اطلاعشان از قرائن کمتر است و بعضی بیشتر، بعضی حسن ظنشان بالا است و وبعضی سوء ظنشان بالاست.

حال ما یا باید بگوییم علماء قول و فعل­شان هماهنگ نیست این که قابل قبول نیست یا باید بگوییم ، همه این ها از باب خبر واحد اطمینان پیدا کرده اند این هم قابل قبول نیست چون همه در یک سطح نیستند و اطمینان ها فرق می کند پس دو راه داریم و هر دو راه مسدود است. یکی که بگوییم عمل و قول علما تنافی دارد. هم بگوید خبر واحد علم آور نیست و هم به این اخبار عمل بکند. راه دوم این که برای همگان اطمینان حاصل شده است اما از راه خبر ثقه خبر واحد، این هم غلط است چون افراد یکسان نیستند.

پس باید بگوییم علماء با همه اختلافاتی که دارند، که قرینه چیست و کدام قرینه قابل قبول است، همه علما بالاتفاق قبول دارند که خبر واحد لایوجب علما و لا عملاً. پس باید بگوییم عملشان به اخبار موجوده بر اساس قرائن بوده است منتهی قرائن برای این آقا با آن آقا متفاوت است باید بگوییم با این که قرائنشان متفاوت است همگان یک دست و هم داستان به این اخبار عمل کرده اند و این یعنی قضیه خارجیه.

این سه شاهد از بیان ایشان برای تایید فرایش سید مرتضی.

اما شیخ طوسی :

و اما الشیخ الطوسی فیری انّ القول لا ینطبق علی العمل و ان شاهد بالوجدان هو العمل بخبر الواحد و القول بانّ خبر الواحد لا یوجب علما و لا عملا انما کانوا یقولون به فی مقام المخاصمة.

اینها چون با اهل سنت بحث میکردند این جمله را در مسائل اعتقادی گفتند. خبر واحدی اقامه می کردند که ابوبکر کذا و کذا. امامیه می گفت ان خبر الواحد لا یوجب علما و لا عملا، میتوانید متواتر بیاورید. پس این که خبر واحد لایوجب علما و لا عملا، این در بحث فروع و روایات شیعه نیست. این می شود رفع تعارض بین قول و عمل به نظر جناب شیخ طوسی.

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین.